

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹۰ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴ • ۲۳ صفر ۱۴۴۷ • ۱۷ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۸۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۰۱ • اذان صبح فردا ۵:۴۴ • طلوع آفتاب ۵:۲۶

گزارش خوانی

این هفته از فیلم کمدی

استقبال شد؟

گیشه سینماهای ایران در هفته‌ای که گذشت با افت نسبی فروش به دلیل تعطیلات اربعین همراه بود. از طرفی این هفته فروش مرد عینکی بیشتر از دیگر فیلم‌ها بود. در هفته گذشته حدود ۴۲ میلیارد تومان فروش سینماها ثبت شد و نزدیک به ۵۵۰ هزار مخاطب به سالن‌های سینما رفتند.

«مرد عینکی» چرامی فروشد؟

فیلم مرد عینکی در هفته سوم مرداد با فروش ۱۵میلیاردو ۶۸۵ میلیون تومان همچنان در صدر جدول فروش سینماها قرار گرفت. این رقم نسبت به هفته گذشته حدود دو میلیارد تومان کاهش داشته است. این فیلم که از اول مرداد اکران شده، تاکنون بیش از ۷۲ میلیارد تومان فروش کل ثبت کرده است. «مرد عینکی» محصول دو سال قبل است و با تغییر نام از جلیک اکران شده است. فیلمی کمدی به کارگردانی کریم امینی، درباره مردی به نام حلیم رایگان است که انتشار کلیپ او در فضای مجازی باعث شهرتش می‌شود، اما پلیس او را بازداشت می‌کند و در زندان متوجه می‌شود به دلیل شباهتش به یک تروریست تحت تعقیب پتناگون است.

رقابت نزدیک «پیریس» و «زن و بچه»

در رده‌های دوم و سوم، دو فیلم پرمخاطب پیریس و زن و بچه جای دارند. فروش هفتگی پیریسر ۱۰میلیاردو ۶۰۰ میلیون تومان (مجموع فروش بیش از ۱۳۳ میلیارد تومان) و فروش هفتگی زن و بچه ۹میلیاردو ۵۰۰ میلیون تومان (مجموع فروش بیش از ۵۵ میلیارد تومان) بوده است. تعطیلی سینماها باعث شد این دو فیلم نیز نسبت به هفته قبل حدود دو تا سه میلیارد تومان افت فروش داشته باشند.

بقیه فیلم‌ها چقدر فروختند؟

فیلم تازه اکران‌شده جزایر قناری با بازی پژمان جمشیدی توانست با فروش دومیلیاردو ۳۰۰ میلیون تومان، خود را به رتبه چهارم جدول هفتگی برساند. فیلم «صدام» با یک میلیارد تومان فروش همچنان در جایگاه پنجم فروش هفتگی قرار دارد و توانسته جایگاه خود را میان پرفروش‌های این هفته حفظ کند. در بخش انیمیشن، سه اثر فرمانروای آب، رؤیاشهر و پسر دلفینی۲ در رده‌های ششم تا هشتم جدول قرار گرفتند. هرچند فروش هفتگی آنها کمتر از یک میلیارد تومان بود، اما حضورشان در میان ۱۰ فیلم پرفروش هفته، امیدواری به استقبال خانواده‌ها و مخاطبان کودک و نوجوان را افزایش داده است.

کمدی‌های انتهای جدول

دو کمدی سلام علیکم حاج آقا و خانه ارواح نیز به ترتیب با ۱۷۱ میلیون تومان و ۱۰۲ میلیون تومان در انتهای جدول فروش این هفته قرار دارند.

شبکه‌خوانی

اتفاقات تلخ یا دروغ‌های شاخ‌دار؟

در روزهای اخیر، تویییتی از کاربری ناشناس به‌شدت در شبکه اجتماعی ایکس فارسی وایرال شده و بسیاری آن را پربازدیدترین تویییت تاریخ توییتر فارسی می‌دانند. در این تویییت، او از بقیه خواسته است اتفاقات تلخ زندگی خود را بیان کنند. این تویییت تا لحظه نگارش خبر، بیش از ۴۰۳ میلیون بازدید داشته است. دلیل اصلی این بازدید، تجربه‌های عجیب و باورنکردنی است که کاربران در آن به اشتراک گذاشته‌اند؛ روایت‌هایی از دراماها و تروماهای زندگی شخصی که باعث شد موجی گسترده از مشارکت شکل بگیرد. روایت‌هایی از کم‌شدن، پیداشدن جنازه، شکنجه‌های داخل خانه و حتی قتل همسر.

تصور اینکه برخی با این خاطرات یا تجربه‌ها زندگی می‌کنند آسان به نظر نمی‌رسد. صاحب این تویییت فقط ۱۰۲۹ دنبال‌کننده دارد. برخی معتقدند رکورد پربازدیدترین تویییت فارسی متعلق به کامتی درباره سفر ایرانیان به اروپا بود که حدود ۳۹ میلیون بازدید داشت.

تهران در مرداد ۱۴۰۴ با بحران شدید آب مواجه است و این وضعیت را به‌عنوان یک خشک‌سالی تاریخی و بدترین خشک‌سالی قرن توصیف می‌کنند. منابع اصلی آب شهر که از مخازن و سدها تأمین می‌شوند، به سطح بسیار پایینی رسیده‌اند. در شرایط عادی، برای تهران و کرج، بخش عمده‌ای از آب مورد نیاز از منابع آب سطحی مانند سدها و بخش کمتری از منابع زیرزمینی (چاه‌ها) تأمین می‌شود. بازیافت و نمک‌زدایی هنوز سهم عمده‌ای در تأمین آب کلی این شهرها ندارد. سدها، عمدتا سدهای امیرکبیر (کرج)، لثیان، لار و ماملو، حدود ۷۰ درصد از آب تهران را تأمین می‌کنند. در کرج، رودخانه کرج (سد امیرکبیر) منبع اصلی است.

در شرایط عادی و سال‌های پرباران، بخش درخور توجهی، تقریباً ۳۰ درصد برای تهران، از چاه‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی تأمین می‌شود. با این حال، این منابع به دلیل استخراج بیش از حد تحت فشار هستند. بازیافت فاضلاب به‌عنوان راه‌حلی برای کمبود آب در حال بررسی است و در برخی مناطق در حال اجراست، اما هنوز به طور گسترده آب مورد نیاز عموم مردم را تأمین نمی‌کند. اگرچه کارخانه‌های نمک‌زدایی در ایران وجود دارند، اما تمرکز اصلی آنها بر تأمین آب آشامیدنی جنوب ایران است، نه تهران و کرج. استان البرز سالانه حدود یک میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کند که ۶۰ میلیون مترمکعب آن از رودخانه‌ها و بقیه از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود. آب سدها در مرداد ۱۴۰۴ در پایین‌ترین سطح تاریخی هستند. سدهایی که آب تهران را تأمین می‌کنند، ازجمله امیرکبیر (کرج)، لار و لثیان، در سطوح بحرانی قرار دارند. گزارش‌ها تا نیمه مرداد ۱۴۰۴ نشان می‌دهد مخازن کمتر از ۲۰ درصد از کل ظرفیت



مهدی زارع

خود آب دارند. برخی منابع حتی اظهار می‌کنند که سد امیرکبیر تنها هفت درصد ظرفیت و سد لار کمتر از ۱۰ درصد ظرفیت دارند. کاهش بارندگی با خشک‌سالی بلندمدت تشدید شده؛ به طوری که میزان بارندگی در سال آبی (از شهریور ۱۴۰۳) در استان تهران در مقایسه با سال قبل ۴۵ تا ۴۶ درصد کاهش یافته است. اقداماتی مانند کاهش فشار آب در خطوط لوله، اعمال خاموشی‌های دوره‌ای (که با توجه به اثر بر تولید برق آبی نیز با بحران آب مرتبط هستند) و ترغیب شهروندان به کاهش حداقل ۲۰درصدی مصرف آب خود انجام شده است.

درحالی‌که خشک‌سالی عامل اصلی تشدید وضع کنونی است، دهه‌ها سوءمدیریت، استخراج بیش از حد آب‌های زیرزمینی، مصرف بیش از حد آب در کشاورزی (که بیش از ۸۰ درصد آب کشور را مصرف می‌کند) و افزایش جمعیت و البته مهاجرت وسیع جمعیت به تهران و کرج به‌عنوان مقصد اصلی مهاجرت در کشور، به‌عنوان عوامل اصلی بحران شناخته می‌شوند.

بنابراین تهران در مرداد ۱۴۰۴ به‌شدت به آب‌های زیرزمینی (۷۰ درصد) و سدها (۳۰ درصد) وابسته است که بیش از حد مورد

زنان

فوتبال زنان زیر ذره‌بین ظاهر

زهراصباغی

جنسیت محک می‌زند و دستاوردهای‌شان را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. مطالعات نشان داده‌اند زنان ورزشکار در ایران و دیگر کشورها همواره با ارزیابی‌های ظاهری مواجه‌اند و این ارزیابی‌ها اغلب براساس هنجارهای مردسالارانه شکل می‌گیرند. بنابراین، هر بار که یک بازیکن زن قرارداد حرفه‌ای امضا می‌کند یا به موفقیت دست می‌یابد، توجه رسانه‌ها و فضای عمومی نه به توانایی و عملکرد او، بلکه به ظاهر و تطابق با هنجارهای جنسیتی معطوف می‌شود.

بررسی و نقد چنین بازنمایی‌هایی، ضرورت تغییر فرهنگی و اجتماعی را برجسته می‌کند: جامعه باید به جای ارزیابی ظاهر، توانمندی، مهارت و عملکرد زنان را معیار قرار دهد و فضا را برای حضور آنان در حوزه‌های مختلف، باز کند. این مسئله نه‌تنها محدود به ورزش نیست، بلکه در دیگر حوزه‌های حرفه‌ای و عمومی نیز مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، تجربه زنان در فوتبال ایران نمونه‌ای از فشارهای جنسیتی گسترده‌تر است که در زندگی روزمره و فعالیت‌های حرفه‌ای آنها نمود دارد.

کامنت‌هایی که علیه بازیکن تازه‌وارد پرسپولیس منتشر شد، نه‌تنها بازتاب استانداردهای غیرواقعی زیبایی هستند، بلکه نمونه‌ای از سلطه مذکر در فضای عمومی و نظارت اجتماعی بر بدن و هویت زنان به شمار می‌آیند. مردان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، قدرت فرهنگی و اجتماعی خود را اعمال می‌کنند و تلاش می‌کنند زن را در چارچوبی تعیین‌شده توسط هنجارهای مردانه تعریف کنند. این روند، با بازتولید هژمونی مردانه، نشان می‌دهد ارزش، قدرت و مشروعیت عمدتا در اختیار مردان است و زنان برای دیده‌شدن و مورد احترام قرارگرفتن، باید با معیارهای تعیین‌شده توسط مردان همسو باشند.

حمله به ظاهر بازیکن، تلاشی است برای بازگرداندن او به «محدوده قابل قبول» براساس استانداردهای مردسالارانه، حتی زمانی

یک نامه

رویترز نوشت: دو مقام کاخ سفید اعلام کردند ملانیا ترامپ، همسر رئیس‌جمهور آمریکا، در نامه‌ای شخصی به ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، وضعیت اسفناک کودکان در اوکراین و روسیه را مطرح کرده است. رئیس‌جمهور ترامپ این نامه را در جریان مذاکرات اجلاس سران در آلاسکا به پوتین تحویل داده است. او در سفر به آلاسکا حضور نداشت. محتوای نامه فاش نشده اما گفته می‌شود در نامه به روده‌شدن کودکان در جنگ با اوکراین اشاره شده است.



«دریاچه پری» با خطر خشک شدن کامل مواجه است.بیش از ۱۵ هزار ماهی در نتیجه روند خشک‌شدن دریاچه جان داده‌اند. «دریاچه پری» که با نام‌های دریاچه «خندقلو» یا «شورگولی» نیز معروف است، در محدوده شهرستان مامانشان» قرار دارد که در ۱۵۰ کیلومتری با مرکز استان زنجان واقع شده است و جز، زیاترین جاذبه‌های طبیعی منطقه محسوب می‌شود.

عکس: بهرام بیات، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

تهران برای حل مشکل آب راه‌حل دارد

بهره‌برداری قرار می‌گیرند. مهاجرت وسیع جمعیت به تهران و کرج منابع را تخلیه می‌کند. خشک‌سالی‌های شدید و کاهش بارندگی، کمبودها را بدتر می‌کند. زیرساخت‌های ضعیف منجر به هدررفت زیاد آب (تا ۳۰ درصد بر اثر نشت) می‌شود.

الته تهران راه‌حل‌هایی برای کاهش بحران آب دارد که مستلزم اصلاحات فوری در سیاست‌ها، سرمایه‌گذاری‌های فناوری و تغییرات رفتاری است. تعمیر لوله‌های نشتی، نصب کنتورهای هوشمند برای تشخیص نشتی‌ها و کاهش چاه‌های غیرقانونی و مجازات‌های سخت‌گیرانه برای استفاده بیش از حد آب در مصرف خانگی، کشاورزی و صنعت، در کنار ترویج صرفه‌جویی باید به کار گرفته شود. تنوع‌بخشی به منابع آب با بازیافت فاضلاب (در حال حاضر کمتر از ۱۰ درصد تصفیه می‌شود و البته به نظر می‌رسد که به‌سرعت باید به بیش از ۵۰ درصد مصرف آب در تهران برسد) و جمع‌آوری آب باران در ساختمان‌ها و فضاهای عمومی از اقدامات فناورانه مهم است. توسعه گلخانه‌های خورشیدی برای کاهش تبخیر و پایان‌دادن به بارانه‌های آب برای جلوگیری از هدررفت با توسعه قیمت‌گذاری پلکانی، گسترش پوشش‌های آگاهی‌بخشی عمومی و قوانین سخت‌گیرانه آب‌های زیرزمینی برای جلوگیری از پمپاژ بیش از حد از راهکارهای نوین و به کار گرفته‌شده موفق در سایر کشورهاست.

از راهکارهای کلان حاکمیتی که می‌تواند به حل مشکل آب تهران -در کنار سایر مشکلات- کمک کند، توقف مهاجرت به تهران و کرج و اقدام به تمرکززدایی از تهران است که در چارچوب کلان‌طرح‌هایی مانند انتقال پایتخت از تهران اجراشدنی است.

هنرخوانی

سرنوشت کارآفرینان

در «تاسیان»



امیر رضامحمدی

سریال تاسیان، به‌ظاهر روایت یک داستان عاشقانه در بستر تاریخی است، اما در واقع، سوزه جذابی است که اسیر یک عقده‌گشایی مذبوحانه قرار گرفته و نابود شده است. سریالی که بستر داستانش وقوع بزرگ‌ترین انقلاب قرن بیستم است، اما تبدیل به قسمتی از برنامه تونل زمان شبکه من‌وتو شده است. اینکه کارگردان سعی کرده تا مخاطب ایرانی را از بیان شعارگونه و کلی‌گوی قرائت‌های محمدرضا ورزی از انقلاب اسلامی فاصله داده و پرده دیگری از جامعه پیش از انقلاب را باز کند، نکته مثبتی است؛ اما در اجرا، به جای ارائه تصویری واقعی از جامعه دهه ۵۰، کاملاً نگاهی صنعتی و تا حدودی وارونه ارائه داده است. تاسیان، چهره دانشجو و چپ‌ها را خیلی دم‌دستی نشان می‌دهد و کارگر را هم عصری خش، ناآرام و ساده‌لوح سبک زندگی و فضای خانواده بازاری و سرمایه‌دارش به واقعیت نزدیک‌تر است. بخش اعظم کار، پیرامون اقلیت مرفه و ثروتمند جامعه است که دقیقاً این‌جامعه رنگارنگ و پراز خنده و سرخوشی که با بالاگرفتن انقلاب به سیاهی و تباهی و مرگ پای سرو منجر می‌شود، گویای احوال آنان است و نه همه مردم. سبک زندگی و جزئیات صحنه و لباس خانواده جمشید نجات، بسیار دقیق و درست و مطابق با فضای این قشر در همان دوره طراحی شده است. شاید بزرگ‌ترین نقطه مثبت این اثر، همین باشد که برای نخستین بار به مقوله زیست و سرنوشت صاحبان صنایع خصوصی در دوره پهلوی دوم می‌پردازد. جمشید نجات، نماینده کسانی است که با فقر و سختی بزرگ شدند، کار کردند و عرق ریختند و با فکر و خلاقیت در میانه دهه ۴۰، به رونق صنعتی کشور کمک کرده و مستقلاً با کمک سرمایه‌گذاری خارجی، برندهای گوناگون و ماندگاری را بنیان گذاشتند. گرچه برخی از آنها از ابتدا هم به دربار وابستگی داشتند، اما بسیاری دیگر بودند که نان بازاری خودشان را می‌خوردند و هر آنچه داشتند با کارگران و کارمندان‌شان تقسیم می‌کردند. برایشان خانه می‌ساختند، هزینه دختران‌شان را می‌دادند و در سختی‌های زندگی دست‌گیرشان بودند. همان‌هایی که در سلف کارگران با هم از یک غذا می‌خوردند و درد دل‌های‌شان را می‌شنیدند. خیلی از سرمایه‌داران نه‌تنها وابسته نبودند، بلکه با انقلاب و مردم هم همراه شدند، اما از موج فراگیری عصبیت انقلابی در امان نماندند. معذود بودند کارخانه‌هایی که مثل «ریسندگی نجات» با نفوذ و تحریک چپ‌ها، به هم ریختند و کارگران تحریک‌شده را با پدر کارآفرین‌شان دست‌به‌یقه کرد.



ماجرای جمشید نجات تاسیان هم بسیار شبیه به سرنوشت تراژیک محمدصادق فاتح‌پزیدی، مالک گروه کارخانجات جهان است که منزلش در کمرانیه تهران بود و سرکوب اعتراضات کارگری کارخانه جهان‌چیت و شهادت سه نفر از آنها به دست نیروهای ژاندارمری (ساواک) که خود فاتح آنها را خبر کرده بود، موجب ترور او به دست فداییان خلق شد. گرچه فاتح چندان انسان نیک‌نامی نبود، اما بودند مردان میهن‌پرست و خیرخواه‌سی که روی متعصبانه انقلاب در حق‌شان جفا کرد، ولی جامعه ایران به آنان مدیون است؛ امثال عبدالرحیم جعفری (انتشارات امیرکبیر)، حسن تفضلی (نساجی کاشان)، محمدرحیم متقی‌ایروانی (کفش ملی)، محمدتقی بخوردار (پارس‌الکتریک)، علی خسروشاهی (مینو) و بسیاری دیگر که میراث‌شان هنوز در پادها مانده است.